

بررسی جایگاه نقد معمارانه در جامعه علمی و دانشگاهی ایران نمونه موردی: دانشجویان دروس پایه دانشگاه علم و صنعت ایران*

سجاد مؤذن^۱

محمود قربانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱

چکیده

نقد معمارانه بازشناسی یک اثر معماری و نوعی به‌چالش کشیدن یافته‌های علمی فرد یا گروهی خاص تعریف می‌شود که دغدغه اصلی آن تفسیر و قضاوت در ابعاد مختلف فرهنگی، هنری، فنی، اجتماعی و کاربردی است. این موضوع، نقد را در هر جامعه بایسته می‌سازد؛ تا جایی که اگر نقد در جامعه حضور نداشته باشد، ارزش واقعی آثار معماری مشخص نمی‌شود. نقد یک روش اولیه بازخورد و ارزیابی در آموزش معماری نیز محسوب می‌شود و این قابلیت را دارد که به‌عنوان یک ابزار آموزشی قدرتمند در آموزش معماری مورد توجه قرار گیرد. همچنین می‌تواند زمینه‌ای جهت مبانی طراحی (در مقدمات و آتلیه‌های طراحی) باشد، تأثیری مثبت بر جریان معماری بگذارد و به‌طور ناخودآگاه باعث نزدیک شدن روش‌ها و نتایج آموزش معماری در دانشگاه‌های مختلف شود. بنابراین با توجه به اینکه مقوله نقد یکی از نیازهای اساسی جامعه معماری عصر حاضر به‌شمار می‌آید و رفع مشکلات و معضلات آن به تلاش بیشتری نیاز دارد، پژوهش کیفی حاضر شکل گرفته است و بررسی وضعیت نقد معمارانه در جامعه علمی و دانشگاهی ایران امروز را اولویت قرار داده است. داده‌های مورد نیاز نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و پژوهش‌های پیمایشی تحلیلی، با برقراری ارتباط با دانشجویان مبتدی معماری در یکی از دانشگاه‌های کشور و همچنین حل تمرین فردی و گروهی آن‌ها، گردآوری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد دانشجویان مبتدی معماری در آغاز راه، آشنایی چندانی با مقوله نقد ندارند، اما در صورت آموزش روشن و صحیح، نقد در ذهن آن‌ها تعریف معقول‌تری می‌یابد. به این صورت اگر در همان نیم‌سال‌های نخست و هنگام گذراندن دروس پایه این آشنایی صورت گیرد، می‌تواند موجب شود دانشجویان معماری از ابتدای راه با نگاهی نکته‌سنج و دقیق به محیط اطراف خود بنگرند و طرح‌های واقع‌بینانه‌تری را رقم بزنند.

واژگان کلیدی: آموزش دروس پایه معماری، طراحی معماری، نقد در معماری در ایران، معیارهای نقد معمارانه

۱. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

sajadmoazen@iust.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معماری داخلی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

mgh1992@gmail.com

* این مقاله برگرفته از طرح‌نامه پروژه تحقیقاتی نخبگان نویسنده دوم با عنوان: «جایگاه نقد در آموزش دروس پایه معماری» است که با راهنمایی دکتر سجاد مؤذن در دانشگاه علم و صنعت ایران به اتمام رسیده است.

مقدمه

معماری واقعیتی است که در جامعه جریان دارد و به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اندیشه‌های موجود در هر دوره، یکی از مهم‌ترین نماینده‌های آگاهی و پیشرفت هر جامعه محسوب می‌شود. به تبع، آموزش معماری نیز از موضوعات مهم و کلیدی در جریان رشد و شکوفایی و ترسیم آینده معماری ایران به شمار می‌آید. آموزش معماری از یک سو باید دانشجو را با توانایی‌ها و مهارت‌های لازم برای حرفه آماده کند و از سوی دیگر او را به‌عنوان فردی آگاه به واقعیت‌های اجتماعی و همچنین دارای تفکر انتقادی تربیت کند. شناخت درست آثار معماری و هنری در ابتدای راه نیز، برای دانشجویان این رشته اهمیت زیادی دارد و این شناخت تنها با دانش کافی و آگاهی از اصول «نقد»، میسر خواهد شد. همین مطلب اهمیت موضوع این پژوهش را دوچندان کرده و ایجاد نگاهی نقادانه در میان دانشجویان مبتدی رشته معماری از طریق تحصیلات دانشگاهی، از ضروریات انجام آن محسوب می‌شود. در دوره‌های اخیر، اهمیت نقد معمارانه به‌عنوان یکی از شاخه‌های اصلی دانش معماری جدید افزایش یافته و نقد معماری رویکردی اصلی، برای بهبود وضعیت معماری معاصر و همچنین یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای ارتقای جنبش معماری و افزایش خلاقیت در محصولات معماری جدید به شمار آمده است.^۱ چراکه «نقد» یکی از حیاتی‌ترین ابزارها برای شناخت صحیح و تحلیل جامع یک اثر است. همچنین می‌تواند عامل پیونددهنده و گفتگوی میان دانشجویان معماری با یکدیگر باشد. به همین ترتیب مسئله اصلی پژوهش پیش‌رو بررسی جایگاه نقد به‌عنوان یکی از ارکان اصلی آموزش دروس پایه رشته معماری و جزء ساختاری و هویت‌بخش آموزش طراحی در دانشکده‌های معماری است. به این ترتیب «نقد معماری» موضوعی راهبردی و بحث‌برانگیز در جامعه دانشگاهی و همچنین جامعه عمومی محسوب می‌شود و فرهنگ نقد جزء ساختاری و هویت‌بخش گروه‌های دانشگاهی و لازمه دروس طراحی و پایه، به شمار می‌آید. بنابراین پرداختن به رابطه قوی، یکپارچه و متقابل بین معماری و نقد، که نقش بسیار مهمی در تعریف آینده معماری و ارتقای آن دارد، به عنوان یک نیروی محرکه در هدایت اندیشه معماری جدید عمل خواهد کرد. با این حال آموزش معماری در ایران و برنامه‌های آموزشی این رشته به‌خصوص در مقطع کارشناسی معماری، به دلیل قرارگیری دانشجو در سطح مهارتی مبتدی و همچنین ناآشنایی با ماهیت دانش طراحی و چگونگی تعامل با استاد، همواره با چالش‌هایی مواجه بوده است. در همین راستا پژوهش حاضر در تلاش است ساختار منطقی و قابل قبول خود را با یافتن پاسخی برای سوالات زیر، به دست آورد:

- لزوم نقد در آموزش معماری چیست و چه بازتابی می‌تواند بر طراحی معماری و وضعیت معماری کشور داشته باشد؟
- چه آسیب‌هایی به حوزه نقد در معماری وارد است؟

پیشینه نظری تحقیق

آنچه امروز به‌عنوان معنا و مفهوم «نقد معمارانه»^۲ شناخته می‌شود، آن شکل از بحث یا گفتگوی علمی بی‌طرفانه است که بیش از هر چیز معطوف به خود اثر و راه وصول به باطن آن است.^۳ به‌طور دقیق‌تر نیز معنای توصیف، تفسیر و ارزیابی از آن استنباط می‌شود. اما مفهوم فنی و رایج این نوع نقد، قضاوت واقع‌بینانه در رابطه با یک اثر معماری و سنجش ارزش‌ها و ضدارزش‌ها است.^۴ در هر صورت این نوع نقد مستلزم شناخت جامع و صحیح است و می‌تواند به‌عنوان فرآیند ارائه و تحلیل آثار معماری شناخته شود. همچنین با تمرکز بر فرآیند تفکر در جامعه، بهبود شرایط معماری حال حاضر و آینده و همچنین پویایی جامعه بشری و توسعه مرزهای دانش و اندیشه را در پی خواهد داشت.

در راستای گسترش مفهوم نقد به قلمرو معماری، متخصصانی هستند که نقد معماری را به‌عنوان یک موضوع تحقیق بررسی کرده‌اند؛ مانند هلن ژانیر که در مقاله‌ای به مفاهیم مختلف نقد معماری و حوزه‌های کاربردی آن

1 Ramadan, 2020, 24

2 Architectural Critique

۳ آیزان، ۱۳۸۱، ۶۷؛ خوبی، ۱۳۸۳، ۹۴ و Jannière, 2020, 34-36

4 Ducasse, 1944, 102

پرداخته و نشان داده که چگونه معانی نقد در طول قرن‌ها تغییر کرده است.^۱ همچنین رئیسی و دانشپور (۱۳۹۰) با بررسی نشریه‌های تخصصی معماری معاصر ایران بین سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۸۰ نشان داده‌اند: مطالعات و پژوهش‌های جدی و متمرکز در این حوزه محدود بوده و در عرصه عملی هم اشتغال به کار نقد و تحلیل آثار معماری گسترش چندانی نیافته است. به لحاظ نظری نیز بیش از هفتاد سال از انتشار نخستین نشریه‌ها و کتاب‌های معماری به زبان فارسی می‌گذرد^۲ و آنچه در آنها به نام نقد و مانند آن منتشر می‌شود، چیزی بیش از گزارش‌های تبلیغاتی و یا ترجمه‌ها و نوشته‌های غربی نیست. همچنین نقد نقش کمی در ارزیابی معماری معاصر ایران داشته و حضور کم‌رنگ نقد در نشریه‌های معماری ایران، باعث پایین آمدن کیفیت آثار معماری جدید شده است.^۳

مفید (۲۰۲۰) به تعریف ادغام و نفوذ متقابل نظریه و نقد در معماری و همچنین نقد نظریه‌های معماری و کشف ویژگی‌های اصلی آن پرداخته و در نهایت ویژگی‌های اصلی و همچنین دشواری‌های نظریه‌های معماری را در پایان قرن بیستم نشان داده است.^۴ پژوهشی دیگر نیز نقد معماری را راهبرد اصلی بهبود در معماری معاصر معرفی کرده و با مورد بحث قرار دادن مفاهیم نقد معماری و به نمایش گذاشتن معیارهای آن، به معرفی گرایش‌های جدید نقد معماری و ارائه اصول و تمایز برای هر یک پرداخته است. در نهایت هم یک مدل روش‌شناسی کامل برای نقد معماری ارائه داده، که می‌تواند در تحلیل و ارزیابی آثار معماری مورد استفاده قرار گیرد.^۵

در همین راستا کتاب «معماری فراتر از نقد» برای اولین بار بیان کرده، دو پارادایم «نقد معماری» و «ارزیابی عملکرد» نه تنها می‌توانند در کنار هم وجود داشته باشند، بلکه مکمل یکدیگر در ارزیابی آثار هستند. این کتاب با بررسی همزمان نقد معماری سنتی و طراحی و ارزیابی عملکرد محیطی و معیارهای ارزیابی عینی آن، استدلال می‌کند که روش‌شناسی و نتایج می‌توانند به ارزیابی جامعی از کیفیت در معماری دست یابند.^۶ اما مهم‌ترین اثر خارجی در رابطه با نقد معمارانه که هنوز هم یکی از منابع اصلی برای پژوهش‌هایی است که در این حوزه انجام می‌شود، کتاب وین/تو^۷ است که با موضوع «معماری و اندیشه نقادانه»، ضمن مطرح نمودن صورت‌های مختلف نقد آثار معماری با معرفی و دسته‌بندی روش‌های متداول آن (شکل ۱)، به ایجاد خودآگاهی نسبت به چگونگی استفاده از نقد در مباحث نقادانه معماری کمک کرده است.^۸

نقد توصیفی	نقد تفسیری	نقد معیاری*
- نقد تشریحی* - نقد زندگی‌نامه‌ای - نقد زمینه‌ای	- نقد جانب‌دارانه - نقد القایی - نقد ذوقی	- نقد نظری یا تئوریک - نقد سیستماتیک یا عملی - نقد گونه‌ای - نقد کمی

* این نوع نقدها، بیشترین کاربرد را در نقد معمارانه دارند.

شکل ۱- انواع نقد در معماری (Attoe, 1978)

در حوزه آموزش معماری نیز صد/قتی و حجت (۱۳۹۸) با بررسی محتوای آموزش معماری در ایران و میزان موفقیت دوره کارشناسی در انتقال این محتوا، پس از کاوش در متن‌ها، دیدگاه‌های صاحب‌نظران، دانش‌آموختگان

1 Jannière, 2020

۲ نخستین نشریه تخصصی معماری در ایران، آرشیکت است که انتشار آن در سال ۱۳۲۵ ش/ ۱۹۴۷ م آغاز شد.

۳ رئیسی و دانشپور، ۱۳۹۰، ۴۶

4 Raghad Mofid, 2020

5 Ramadan, 2020

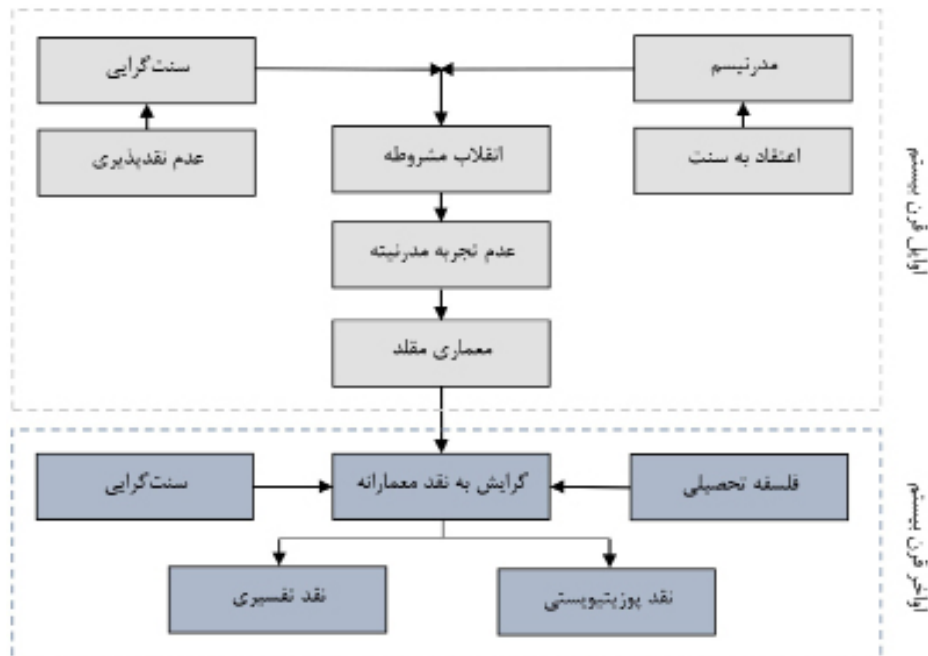
6 Preiser et al., 2015

۷ «Wayne Attoe» بیش از دو دهه است که در حفاظت از محیط طبیعی فعالیت دارد. اما پیش از آن به تدریس معماری مشغول بوده و بر ارزش ساختمان‌ها و محله‌های تاریخی تأکید داشت.

8 Attoe, 1978

و دانشجویان این رشته و تحلیل آنها، بیان کرده‌اند که محتوای آموزش معماری با سایر رشته‌های دانشگاهی متفاوت بوده و این محتوا، در سه مؤلفه دانش، توانش و بینش نمود می‌یابد. دانش مجموعه علوم و دانستی‌های عرصه معماری، توانش مجموعه قابلیت‌ها و توانایی‌های شاگرد، و بینش سمت‌وسوی به کارگیری توانش‌ها و دانش‌ها را در خلق اثر معماری روشن می‌کند. ارزیابی میزان موفقیت آموزش معماری در انتقال محتوای آموزش این رشته در ایران نیز نشان می‌دهد بیشترین موفقیت آموزش در انتقال بنیان توانش است که آن هم در سطح متوسط قرار دارد و مهم‌ترین مهارت این بخش که مهارت طراحی است، به همراه دو مؤلفه دانش و بینش سطح موفقیت پایین‌تری از حد متوسط دارند.^۱

اما آنچه مرتبط‌تر با موضوع این پژوهش است، مقاله کوچکیان و نوروزبرازجانی (۱۳۹۳) است، که جایگاه نقد در معماری ایران را نسبت به نقد در معماری غرب می‌سنجد و بیان می‌کند نوع نگاه به نقد در معماری غرب تا حدود زیادی تحت تاثیر فلسفه‌های مدرن و پست‌مدرن شکل گرفته است. در صورتی که نگاه به نقد در معماری ایران بیشتر ابزارگونه بوده و هنوز به دنبال عوامل و دست‌مایه‌هایی است که آثار را در یک چارچوب نظام‌مند به نقد بکشد. در واقع نقد معماری از مباحث به نسبت فراموش شده در فرهنگ و ادبیات معماری معاصر ایران به شمار می‌آید، تاکنون نقد معمارانه به‌طور ضابطه‌مند و جدی در این کشور جریان نداشته و بیشتر به شکل گفت‌وگوهایی سردرگم و آشفته در حاشیه نقد بوده است.^۲



شکل ۲- سیر حرکت به سوی نقد معماری در ایران. (کوچکیان و نوروزبرازجانی، ۱۳۹۳، ۷۱)

بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از عوامل اصلی که موجب سردرگمی در فرآیند نقد معماری در ایران شده و خلق آثار معماری نامطلوب و بی‌هویت را رقم زده، کمبود شیوه‌های آموزشی علمی و هدف‌مند است. در نتیجه درست در لحظه‌ای که بیش از هر زمان دیگری به گفتگوی انتقادی و پایدار درباره جهان ساخته‌شده نیاز است و دستیابی به معماری فاخر و معماری سرآمد به بخشی از خواسته‌های قانون برنامه‌های پنجم و ششم توسعه و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبدیل شده، خطر ناپدیدشدن نقد معماری وجود دارد. به همین دلیل پژوهش حاضر به بررسی مبحث مهم نقد در معماری و همچنین اهمیت آن در آموزش دانشجویان

۱ صداقتی و حجت، ۱۳۹۸

۲ کوچکیان و نوروزبرازجانی، ۱۳۹۳، ۷۲-۷۳

مبتدی رشته معماری، به عنوان کسانی که آینده معماری این کشور را رقم خواهند زد، پرداخته است.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد روش‌شناختی کیفی، بر اساس هدف از نوع کاربردی-توسعه‌ای بوده و در جست‌وجوی میزان آشنایی دانشجویان کارشناسی معماری با موضوع نقد معمارانه است. داده‌های آن از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایشی تحلیلی، گردآوری شده‌اند. در مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی کتاب‌ها و پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با موضوع مورد مطالعه پرداخته شده و دستیابی به مطالعات پیمایشی با حل تمرین فردی و گروهی دانشجویان مبتدی معماری در دانشگاه علم و صنعت ایران به عنوان یک نمونه موردی در دسترس^۱، محقق شده است. بنابراین جامعه آماری این پژوهش دانشجویانی هستند که تحت آموزش رشته معماری در ترم یک قرار دارند و درس پایه «مبانی طراحی» را فرا می‌گیرند. به منظور سنجش و ارزیابی توانایی نقد و میزان توجه دانشجویان معماری به اصول مورد تأکید نقد در معماری که از اهداف پژوهش پیش‌رو به شمار می‌آید، نیاز است که ابتدا فرآیند نقد در معماری، ویژگی‌های شخص منتقد و معیارها و اصولی که انتظار می‌رود دانشجویان در نقد معمارانه به آنها توجه داشته باشند، مشخص گردد.

یافته‌ها

فرآیند نقد در معماری

نقد معماری مانند خود معماری فرآیند دارد و می‌تواند در تمام مراحل شکل‌گیری یک اثر حضور داشته باشد. گاهی هدف از آن بررسی پیش‌فرض‌های یک تفکر در طراحی است و گاهی در مسیر اعتبارسنجی آن گام برمی‌دارد. فرآیند نقد وظایف بسیاری مانند بیان، تحلیل، مقایسه، توجیه، ارزیابی و راهنمایی را شامل می‌شود و گاهی نیز مراحل توصیف، مقوله‌بندی، زمینه‌یابی، توضیح و تفسیر، به تحلیل و ارزیابی اضافه می‌شوند^۲. این گستره وسیع از وظایف، نقد را به یک حوزه ضروری در معماری تبدیل می‌کند^۳ و این امکان را فراهم می‌کند که مفاهیم و زیبایی‌شناسی‌های جدید فارغ از پیش‌داوری‌های موجود بررسی شوند و ارزش آنها درک شود. در هر صورت خصلت بنیادین نقد، ترویج فرهنگ تعامل است و بیشتر نظریه‌پردازان نقد را به عنوان بحث و گفتگویی در نظر گرفته‌اند که به ابعاد کمی و کیفی بناها، ریشه‌های فکری طرح و تبعات اجتماعی و فرهنگی آن می‌پردازد^۴. نقد صحیح مستلزم توجه به سه جنبه است:

- مقایسه اثر با سایر آثار موجود در کشور
- پاسخ اثر به اهداف مورد انتظار
- مقایسه اثر با آثار قبلی طراح، که نشان‌دهنده سیر تحول حرفه‌ای او است^۵.

مشخص است که نقد با شناخت و دانش سروکار دارد و شخص منتقد باید به اوضاع و احوال موضوعی که می‌خواهد نقد کند، اشراف داشته باشد. بنابراین منتقد باید با یک سری معیار، اصول و مبانی که از طریق تحقیق، تجربه و پژوهش برایش به اثبات رسیده، با یک اثر مواجه شود (حائری، ۱۳۸۷، ۶۵). چون در این صورت است که فرآیند نقد، مؤثر واقع شده و تحقق، تفکر و احساس در جهت درک اثر معماری هدایت خواهد شد. همچنین از این طریق، وجوه پنهان اثر به صورت دقیق و اندیشمندانه آشکار شده و ارزیابی و مقایسه اثر با آثار مشابه، در

1 Available Sampling

۲ کارول ۱۳۹۳، ۹۳ و Stolnitz, 1960

3 Janniere, 2020, 52

۴ معتمد، ۱۳۹۷ و ۹ و Sharp, 1989

۵ شیخ‌زین‌الدین، ۱۳۷۷، ۱۶

6 Davis and Preiser, 2012

- نهایت منجر به توصیف اثر معماری مورد نظر خواهد شد.^۱ با توجه به اینها می‌توان گفت فرآیند نقد معماری: ابتدا با تشخیص درست آثار، که در ساحت معماری قرار دارند یا خیر، شروع می‌شود.
- سپس مرحله شناخت اثر شکل می‌گیرد که باید به‌صورت جامع و کافی به شناخت خالق و طراح اثر و همچنین تفکر طراحی و هدف از خلق اثر پردازد.
- در نهایت نیز، مرحله تحلیل و ارزیابی است که توصیف و تفسیر یک اثر را در پی خواهد داشت.

نقش منتقد در فرآیند نقد معمارانه

نقد، بیش و پیش از آنکه به پدیده مورد نقد وابسته باشد، به شخص منتقد، تصورات شخصی او و دیدگاهی که نسبت به نقش اجتماعی خود دارد، وابسته است. بر همین اساس اصول و معیارهای احساسی، عقلانی و برانگیزاننده‌ای که برای شخص منتقد اهمیت دارد، در نوع و روش نقد وی و به تبع برخورد و چگونگی واکنش طراحان یا دیگر افراد در برابر آن نقد، بسیار تأثیرگذار است.^۲ منتقد معماری باید دارای مجموعه‌ای از اطلاعات، معیارها و ویژگی‌ها برای دانستن هر چیز جدیدی در معماری باشد؛ جهت‌ها و مکاتب انتقادی را درک کند تا در جهت توسعه روند نقد موثر واقع شود.

به این ترتیب منتقد معماری نقش مهمی در دنیای معماری دارد و وظیفه او است که جنبه‌های پنهان یک اثر را کشف کرده و با توضیح، اشکال و فنون به‌طور منظم آنها را تحلیل و ارزیابی کند. او باید به اندازه کافی هوشیار بوده، با مجموعه گسترده‌ای از دانش تئوری و تاریخ معماری به درک دقیقی از مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در هر زمان برسد و همچنین توانایی تبیین، تحلیل و استخراج ارزش‌های زیبایی‌شناسانه یک اثر را داشته باشد.^۳ در این شرایط آگاهی منتقد از باورها، عقاید و تعصبات فکری خود و تدوین یک طرح انتقادی غیرمغرضانه، برای استفاده در تحلیل آثار معماری که شامل معیارهای بشردوستانه، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و همچنین معیارهای معماری و شهری است، به رویکرد انتقادی او کمک بسیاری خواهد کرد.

انعطاف‌پذیری و جهان‌شمول بودن نقد با در نظر گرفتن تمام معیارهای مرتبط با اثر معماری از عوامل و معیارهایی است که منتقد برای ساختن تفسیر و قضاوت خود باید به آنها توجه کند. آگاهی از مبانی طراحی یا برنامه‌ریزی و جذب نظریه‌های مختلف فکری و آگاهی از جنبه‌های فرهنگی، تاریخی و محیطی پیرامون آثار معماری، نیز از ویژگی‌های منتقد آینده‌نگر است. از دیگر وظایف او می‌توان به توسعه سطح فرهنگ عمومی، از طریق تجزیه و تحلیل آثار معماری با استفاده از روشی ساده و روشن و تفسیر نمادها، اشکال و نشانه‌ها برای انعکاس ارزش اثر معماری، اشاره کرد.

منتقد باید ارتباط بین معمار خلاق و مخاطب دریافت‌کننده را تقویت کند و از طریق روشن‌گری‌ها و اطلاعاتی که در مورد فرآیند طراحی معماری ارائه می‌دهد، ابعاد و ارتباط آن را با جامعه معرفی کند. در همین راستا باید دیدگاه‌های آگاهانه خود را به‌درستی به افراد جامعه منتقل کرده و با نشر آرای انتقادی خود، دیگران را نسبت به جنبه‌های مختلف محیط ساخته‌شده در اطرافشان، به‌طور مستقیم به چالش فکری دعوت کند.^۴ در این صورت است که فرآیند نقد مؤثر واقع شده و تحقیق، تفکر و احساس در جهت درک اثر معماری هدایت خواهد شد.^۵ همچنین از این طریق وجوه پنهان اثر به‌صورت دقیق و اندیش‌مندانه آشکار شده و ارزیابی و مقایسه اثر با آثار مشابه، در نهایت منجر به توصیف اثر معماری موردنظر خواهد شد.^۶

۱ استیونس، ۱۳۷۷، ۸ و Raman and Coyne, 2000

۲ اتو، ۱۳۸۴، ۴۴

3 Ramadan, 2020, 25

۴ دهقانی، ۱۳۹۰، ۱۴۶

5 Davis and Preiser, 2012

۶ استیونس، ۱۳۷۷، ۸

معیارها و زمینه‌های نقد معمارانه

نقد هم ابزار قضاوت است و هم ابزار آموزش و بخش مهمی از آموزش، ایجاد انگیزه‌ای است که در جریان داوری و نقد آثار دانشجویان اتفاق خواهد افتاد^۱. همچنین با توجه به نقش محوری قضاوت در برنامه آموزش رشته معماری، چنانچه نوع داوری و یا ابزارهای قضاوت مشخص نبوده و فضای حاکم بر نقد یا داوری فراهم نگردد، امکان ورود نافرجام تفاسیر شخصی و یا مطالبات غیرمرتبط با اهداف آموزشی وجود داشته و زمینه رشد و بالندگی استعدادهای دانشجویان از بین خواهد رفت. در حالی که با شناخته شدن معیارهای قضاوت، امکان رشد کمی و کیفی تدریجی آنها فراهم شده و موجب افزایش فهم تخصصی معماری و نحوه بازنمایی آن می‌گردد^۲. نقد اثر معماری باید زمینه و معیارهای تعریف شده و واحدی را در بر گیرد تا امکان داوری میان آثار و اخذ تصمیم درست برای طراحی یا ساخت آنها فراهم شود^۳. از آنجاکه معماری حوزه‌ای بین رشته‌ای است، منتقدان معماری باید در ارزیابی آثار معماری به نحوی به دانش و علوم مختلف اتکا داشته باشند و برای دستیابی به نقدی جامع اثر، وجوه و ابعاد گوناگون معماری از منظرهای مختلف را مورد نقد قرار دهند^۴. به این ترتیب نقدی همه‌جانبه و متکی به معیارهای روشن رخ خواهد داد که نتیجه فرآیندی منضبط و روش مند است. اگرچه ارائه معیارهای ثابت برای نقد معماری کار دشواری است، اما با توجه به بررسی‌های صورت گرفته می‌توان مجموعه‌ای از اصول مورد تأکید صاحب نظران در نقد معماری را معرفی کرد که میزان دخالت هر کدام به نوع طرح و هدف منتقد بستگی دارد (جدول ۱).

جدول ۱: اصول مورد تأکید صاحب نظران در نقد معماری

اصول مورد تأکید	منبع
نوآوری، ارتباط با سنت و تاریخ، زیبایی، جنبه‌های محیطی، پاسخ به عملکرد و اقتصاد بنا	(منصوری، ۱۳۷۹)
زیبایی‌شناسی	(آیوازیان، ۱۳۸۱)
توجه به خود آثار	(خویی، ۱۳۸۳)
شهریت، معقولیت، خلاقیت، عصریت	(حائری، ۱۳۸۷، ۶۶)
توجه به نقد در معماری به عنوان یک هنر چندبعدی- هنری، فنی، اجتماعی، فرهنگی و کاربردی	(رئیزی و دانشپور، ۱۳۹۰)
زمینه‌های محیطی، اقتصادی، کاربردی، سازه‌ای، سیاسی، فرهنگی، بصری، زیبایی‌شناسی	(ریبسی، ۱۳۹۲، ۴۹)، (Sharp, 1987)
ارگانیک بودن، فرم و عملکرد، سنت، تزئینات، روح، فضا	(قبادیان، ۱۳۸۸، ۶۶-۶۹)
جستجوی حقیقت اثر و یا جستجوی منشاء و ماهیت آن	(کوچکیان و نوروزبرازجانی، ۱۳۹۳)
پاسخ به عملکرد، توجه به زمینه و بافت پیرامون اثر، نقشه معماری	(رزاقی اصل و رحیمی آریایی، ۱۳۹۵)
تعامل با زمینه، تحلیل فرایندمنا، اقبال عمومی، نقد نقد، بازآفرینی گفتمان نوین	(مهدوی نژاد، ۱۳۹۶، ۶۷)
جنبه‌های فنی و اقتصادی و کالبدی، جنبه‌های فلسفی و زیبایی‌شناسی	(قیومی بیدهندی و دانایی فر، ۱۳۹۸، ۵۵)
سنجش ارزش‌ها و ضدارزش‌ها	(Ducassee, 1944)
ایده، نظم ساختاری، محیط و زمینه، فناوری، معنا و مفهوم	(Caudill 1971, 137)
توجه به زمینه و محیط فیزیکی، بهره‌وری از فناوری پیشرفته، عملکرد، فرم، انعطاف‌پذیری فضاها، پاسخگویی به نیازهای اقتصادی	(Attoe, 1978)
ارزیابی عملکرد	(Preiser et al., 2015)
زیبایی‌شناسی، زمینه‌های تاریخی	(Jannière, 2020)
سطوح رضایت کاربران و عموم مردم، کارایی و عملکرد بنا، ارزش‌های زیبایی‌شناختی، بافت و محیط اثر معماری	(Ramadan, 2020)

منبع: نگارندگان، ۱۴۰۲

در جهت جمع بندی جدول بالا، می‌توان معیارها و زمینه‌های نقد معمارانه را در سه دسته زیر (شکل ۳) تقسیم بندی

لموله و ایزدی، ۱۳۹۳، ۲

۲ مهلازاده علی کوزه‌دوز، ۱۳۹۳، ۱۱۳
۳ منصوری، ۱۳۹۲، ۴۹
۴ رزاقی اصل و رحیمی آریایی، ۱۳۹۵، ۸۸ و خویی، ۱۳۸۳، ۸۷

- و کنترل‌های محیطی و آینده‌نگر بودن طرح، بررسی خواهد شد.
- فرم: وجود تناسب میان فرم‌ها و فضاها و ترکیب آنها به‌گونه‌ای متنوع و وحدت‌یافته که متعلق به روح زمان خود باشد، بهره‌مندی از فناوری روز، معنادار بودن کلیات و جزئیات فرم‌ها، وجود وحدت و یکپارچگی قانون‌مند میان ساختمان و زمینه نیز در معیار فرم قابل‌توجه است.
- اقتصاد: در این بخش نیز به فراهم کردن شرایط استفاده بهینه از امکانات موجود، رفع احتمال هرگونه اتلاف انرژی، ساختار، صرفه‌جویی در بودجه، زمان و نیروی کار موردنیاز برای اجرا، انعطاف لازم ساختمان برای پاسخگویی به نیازهای اقتصادی آینده به وسیله تغییر کاربری یا گسترش، تأکید خواهد شد.

عملکرد	فرم	اقتصاد
پاسخدهی به کاربری اصلی	تناسبات میان فرم و فضا	آینده‌نگر بودن طرح
روابط و نظم فضایی	معنا و مفهوم (روح مکان)	استفاده بهینه از امکانات
استاندارد و اندازه فضاها	پیوند با محیط و زمینه	توجه به مصرف انرژی
آسایش کاربران	کیفیت هنری و بصری	صرفه‌جویی
توجه به آینده	بهره‌مندی از دانش روز	نوآوری

شکل ۳- زمینه‌ها و معیارهای نقد معمارانه (نگارندگان، ۱۴۰۲)

محیط و محتوای آموزشی مناسب برای ارتقای دیدگاه نقادانه در معماری

محور آموزش در معماری، دروس عملی است و آتلیه‌های طراحی مکانی بسیار مناسب برای آموزش معماری هستند. نحوه آموزش و یادگیری در آتلیه طراحی معماری باعث شده تا حال و هوای آن در میان محیط‌های آموزشی، منحصربه‌فرد و چیزی بیش از یک مکان فیزیکی و کلاس درس باشد. ساختار ویژه کارگاه‌ها یا آتلیه‌ها فرصت‌های بی‌شماری برای آموزش، همکاری و اشتراک در اختیار افراد قرار می‌دهند و محیط یادگیری غنی از روابط اجتماعی آن، تعاملات و یادگیری جمعی را گسترش داده و به‌عنوان محرکی برای یادگیری عمل می‌کنند.^۱

فعالیت‌های آموزشی در کارگاه و آتلیه‌های طراحی، مانند برخی محیط‌های آموزشی، محدود به سخنرانی نیست و فعالیت‌های مختلفی از قبیل راهنمایی و نظارت، ارائه کار، یادگیری از هم‌کلاسی‌ها، داوری در کارگاه و برگزاری جلسات نقد، صورت می‌پذیرد. به همین دلیل محیط یادگیری کارگاه یک فضای آموزشی توأم با عمل است که یادگیری و آموزش معماری بر بستر تمرین‌های طراحی، از طریق فرآیندهای تعاملی دوجانبه بین مربی و دانشجویان صورت می‌گیرد.^۲ همچنین موجب می‌شود گروهی از دانشجویان تحت هدایت و راهنمایی استاد، پروژه‌های طراحی خود را به انجام برسانند.^۳

در همین راستا نقد می‌تواند یکی از عوامل مهم و مؤثر در فعال‌کردن تفکر طراحی و ستون فقرات آموزش طراحی باشد، که به‌وسیله آن، آتلیه‌های معماری در آموزش طراحی معماری پویاتر و کارآمدتر عمل خواهند کرد. در آتلیه‌های معماری تلفیق تئوری با عمل باید به‌گونه‌ای ماهرانه، همراه با آموزش نحوه نقد در راستای

1 Quinlan, Corkery and Marshall 2007 و Nicol and Pillingt 2000

2 Schön, 1987

چارچوب علمی و شیوه بیان دانشجو و استاد صورت گیرد، تا یک دانشجوی معماری بتواند آنچه را که به لحاظ تئوری می آموزد در عمل نیز در طرح های خود به بهترین شیوه ممکن به کار گیرد. همچنین در محیط اجتماعی آتلیه، دانشجو باید یاد بگیرد ارتباط برقرار کند، نقد کند، به انتقادات پاسخ دهد و تا آنجا که می تواند از نقدها و بررسی ها سود ببرد^۱.

در آموزش نقد معمارانه، تعامل کلاسی میان دانشجویان و معلم بسیار مهم است و باید از دانشجویان خواسته شود در زمان ارائه کار خود، با هم کلاسی ها و اساتید در مورد آن بحث و گفتگو کنند. این نوع گفتگوهای جمعی و انتقادی، این فرصت بی نظیر را برای دانشجویان فراهم می کند که با زیر سؤال بردن فرض های حاکم، بینش های جدیدی را خلق کنند^۲ و توانایی و استعداد خود را به مرحله ظهور برسانند. در فضای باز آتلیه، دانشجویان بر پیشرفت کار یکدیگر نظارت می کنند و نظر می دهند. آن ها رویکردهای طراحی را مقایسه می کنند و برخی مهارت ها مانند شیوه های طراحی، ماکت سازی و روش های ارائه را از یکدیگر یاد می گیرند. بررسی پروژه های معماری مختلف به صورت فردی یا گروهی، در حضور دانشجویان و اساتید باتجربه و همچنین نقد هم زمان با طراحی و داوری، بهترین روش آموزش در آتلیه ها است. این نوع نقد بیش از هر چیز بر ترکیبی از روش های مختلف شامل بیان واقعیت ها، تفاسیر و روش های تجربی استوار است. هر دانشجوی معماری باید قادر باشد در پایان تحصیلاتش این کار را به تنهایی در مورد آثار خود انجام دهد و در روند طراحی، کار خود را از زوایای مختلف مورد نقد قرار دهد^۳.

میزان آشنایی دانشجویان معماری با موضوع نقد معمارانه

برای داشتن آینده ای روشن در زمینه نقد معمارانه در ایران نیاز است که دانشجویان این رشته به عنوان «منتقد معماری» آموزش ببینند و بتوانند بدون جبهه گیری با یکدیگر گفتگو داشته باشند^۴. بنابراین توجه به دانشجویان مبتدی معماری به عنوان ناقدان فردای جامعه و تقویت میزان آشنایی و دیدگاه آنها نسبت به نقد معمارانه از اهمیت بالایی برخوردار است. در همین راستا پژوهش حاضر جهت دستیابی به دیدگاه دانشجویان معماری در ارتباط با نقد و محقق ساختن هدف پژوهش، از طریق بحث و تمرین های فردی و گروهی و همچنین بازدید علمی سعی داشته، در این مرحله به میزان آشنایی دانشجویان با مقوله نقد معمارانه و لزوم نقد در طراحی معماری پی ببرد و با طراحی تمرین مناسب به توسعه توانمندی نقد در دانشجویان کمک کند. به همین جهت گروهی از دانشجویان معماری دانشگاه علم و صنعت ایران را به عنوان نمونه مورد هدف قرار داده است.

ارزیابی دانشجویان ترم یک معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

به جهت سنجش و ارزیابی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران، بحث گروهی با ۲۰ نفر از دانشجویان مبتدی رشته معماری که در حال گذراندن درس «مبانی طراحی» هستند، در آتلیه طراحی دانشگاه شکل گرفت. همچنین بازدید علمی آنها از کاخ گلستان تهران^۵، طی یک جلسه در خرداد ماه ۱۴۰۲، منجر به مشاهده بنا، تحلیل آن و در نهایت شکل گیری بحث فردی میان پژوهشگر و برخی از دانشجویان شد. برای ایجاد فضای نقد از دو روش استفاده شده: نقد کلامی و نقد ترسیمی.

1 Osman Ibrahim, Mohammed Sanad, et al. 2022, 82

2 Edwards and Usher, 1994

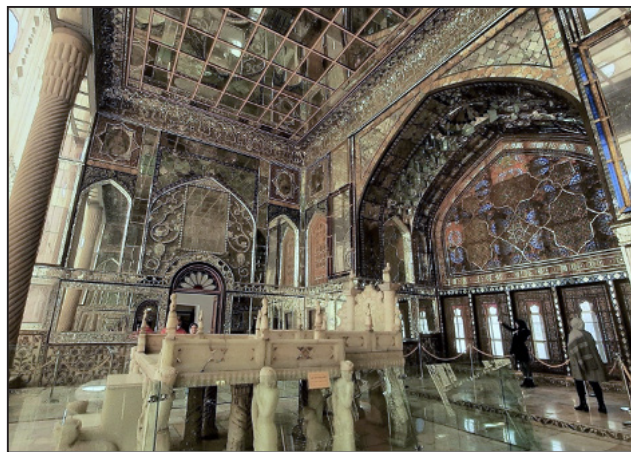
۳ اتو، ۱۳۸۴، ۳۲

۴ حائری، ۱۳۸۷، ۶۶-۶۷

۵ کاخ گلستان یکی از آثار ایران است که به لطف معماری و تزئینات منحصر به فرد، در سال ۱۳۳۴ در فهرست آثار ملی ایران و در سال ۱۳۹۲ در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است. علاوه بر این، وقوع رخداد های تاریخی مهم در این محل، آن را به سندی زنده از تاریخ ایران تبدیل کرده است.



تصویر ۱- ایوان مرمر کاخ گلستان تهران (نگارندگان، ۱۴۰۲)



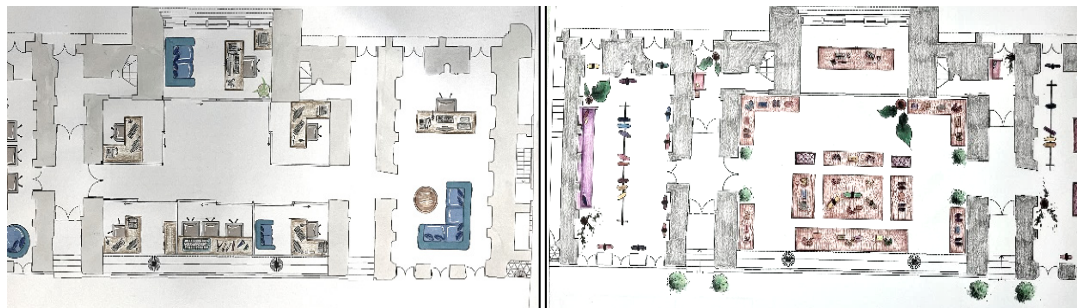
تصویر ۲- ایوان مرمر کاخ گلستان تهران (نگارندگان، ۱۴۰۲)

نقد کلامی: در پی جلسه‌های نقد کلامی از دانشجویان خواسته شد به صورت شفاهی به تعریف نقد پرداخته و شرح دهند برای نقد معمارانه یک بنا، هنگام مواجهه با آن بنای تاریخی، به چه نکات و ویژگی‌هایی باید توجه داشته باشند. نتیجه حاصل شده حاکی از آن بود که به تقریب هیچ‌یک از دانشجویان معماری که در حال گذراندن درس پایه‌ای چون «مبانی طراحی معماری» هستند، تعریف درست و واضحی از نقد نداشته و بیش‌تر آنها نقد یک اثر را برابر با بیان ویژگی‌های منفی و ایرادهای آن می‌دانستند. همچنین زمانی که باید به نقد بنای ایوان مرمر کاخ گلستان^۱ (تصویر ۱) می‌پرداختند، با بیان اطلاعاتی که درباره بنا از منابع مختلف، به‌خصوص وبگاه‌های اینترنتی به دست آورده بودند، گفتگو را به پایان می‌رساندند. عده‌ای هم با توجه به اینکه تعریف روشنی از نقد نداشتند، با بیان اینکه این بنای مهم هیچ ویژگی منفی ندارد که قابل نقد باشد، از ادامه گفتگو امتناع می‌کردند. زمانی که پژوهش‌گر تعریف دقیقی از نقد به آنها ارائه نمود و پس از آگاهی و آشنایی دانشجویان با مقوله نقد، آنها با دیدی بازتر به محیط اطراف نگرستند و به درک و بیان ویژگی‌های مختلف ایوان مرمر از دید زیبایی‌شناسی، کاربردی، سازه‌ای، روابط فضایی و سلسله‌مراتب پرداختند. به این ترتیب دانشجویان ابتدا بنا را مشاهده و سپس نقد کردند و در یک گفتگوی جمعی شناختی کلی از بنای تاریخی ایوان مرمر به دست آمد. درک درست و شناخت

۱ بنای ایوان تخت مرمر یا ایوان دارالاماره یا دیوان‌خانه، قدیمی‌ترین بنای کاخ گلستان تهران است و عده‌ای ساخت آن را به کریم‌خان زند نسبت می‌دهند. این اثر با نام عمارت تخت مرمر در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۳۴ با شماره ثبت ۴۱۶ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

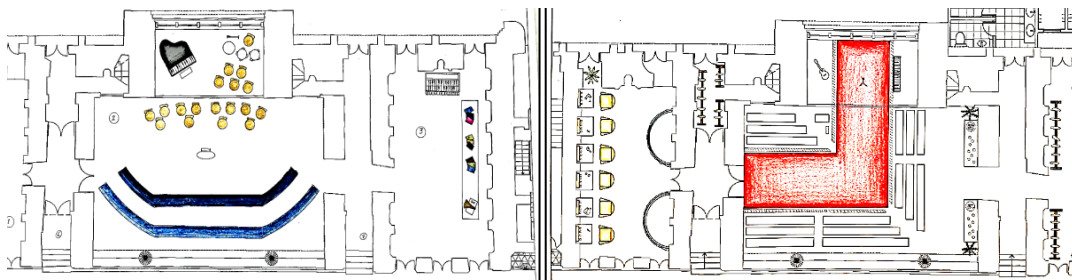
جامع یک اثر، از عوامل اولیه فرآیند نقد است و دانشجویان ناخواسته این فرآیند را آغاز کرده بودند. در ادامه آنچه دانشجویان در این فرآیند بازگو کردند آورده شده است:

- بنای ایوان مرمر دارای تقارن در پلان، نما، مقطع و دارای تزیینات منحصر به فرد است.
 - ارتفاع بلند سقف ایوان و شکوه و عظمت آن، در کنار تزیینات فراوان و بی نظیر ایوان از جمله آینه کاری و نقاشی های دیواری، نشانه کاملی از افراط در یک فضای سلطنتی و بیان گر جلال و جبروت پادشاه است.
 - پنجره بالا رو با شیشه های رنگی که به حیاط پشتی باز می شود، نقطه قوت طراحی ایوان به لحاظ زیبایی و عملکرد (تهویه هوا) به شمار می آید.
 - دسترسی به ایوان از طرفین و رفت و آمد و ورود و خروج ها که در کناره ها و قسمت های پشتی بنا صورت می گرفته، به جهت توجه به جایگاه پادشاه و حفظ حرمت او، جالب توجه است.
 - ضخیم بودن جرزها و اینکه درها داخل خود دیوار باز می شوند و فضای دیگری را اشغال نمی کنند، از نکات قوت طراحی محسوب می شود.
 - بنای ایوان مرمر آنقدر قابل انعطاف ساخته شده که بعد از مدتی توانسته اند ارتفاع سقف را بالا ببرند و ستون های جدیدی را جایگزین ستون های قبلی کنند. این کار در زمان خودش بسیار تحسین برانگیز و جالب توجه بوده، در حالی که با نگاه اول کسی متوجه این تغییر ارتفاع نمی شود.
 - با اینکه آینه کاری ها جنبه نورپردازی داشته، ولی در تابستان می توانسته به دلیل بازتاب فراوان، گرمای فضا را به دنبال داشته باشد.
 - تغییراتی که در دوره های مختلف در بنا ایجاد شده، مانند جایگزین کردن درهای موجود با درهای قدیمی، با دیگر اجزا و تزیینات بنا هم خوانی ندارد.
- نقد ترسیمی:** در مرحله بعد به منظور ارزیابی نقد در طراحی، در بخشی از امتحان کتبی پایان ترم از دانشجویان خواسته شد به طراحی جدید در بنای ایوان مرمر پرداخته و یک کاربری در شأن و منزلت بنای تاریخی ایوان مرمر، برای آن در نظر بگیرند (تصویر ۲ تا ۷). با توجه به اینکه ایوان مرمر قدیمی ترین بنای مجموعه کاخ گلستان است منظور نمودن کاربری جدید برای این بنا مستلزم شناخت کل مجموعه بود، از دانشجویان خواسته شد تصور کنند که بنای ایوان مرمر در مکانی خارج از مجموعه کاخ قرار دارد و با فرض اینکه یک بنای منفرد است و در محیطی دیگر واقع شده، به طراحی جدید در آن بپردازند.



تصویر ۴- طراحی جدید در ایوان مرمر با کاربری «دفتر معماری» توسط دانشجو «سپه گنجانی»

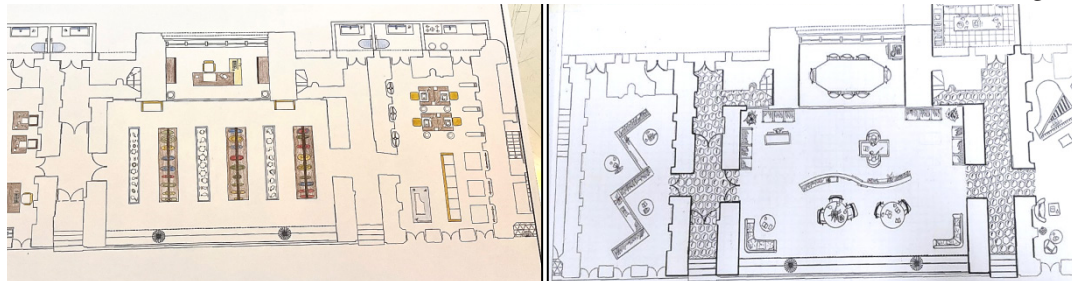
تصویر ۳- طراحی جدید در ایوان مرمر با کاربری «فروشگاه صنایع دستی» توسط دانشجو «بارسا پوری»



تصویر ۶- طراحی جدید در ایوان مرمر با کاربری «سالن موسیقی» توسط دانشجو «بهار برادران»

تصویر ۵- طراحی جدید در ایوان مرمر با کاربری «شوروم» توسط دانشجو «پارمیدا رحیمی»

در این مرحله هر یک از دانشجویان برای اعطای کاربری مورد نظرشان، باید شناخت خود را از تک‌تک فضاهای ایوان مرمر و همچنین جزئیات و ابعاد و اندازه‌های آنها، کامل می‌کردند. همچنین در نقشه معماری باید فرم و اجزاء، کالبد، ارتباط و تناسبات فضایی، بازشوها، تزیینات بنا، کیفیت و تنوع فضاها را مورد توجه قرار می‌دادند. از طرفی نیاز بود تا به نکات طراحی داخلی هم توجه ویژه‌ای داشته باشند و هر مبلمان را با توجه به نوع فضا و محل قرارگیری، به طور ویژه و مختص به آن طراحی کنند.



تصویر ۸- طراحی جدید در ایوان مرمر با کاربری «فروشگاه لباس و زیورآلات سلطنتی» توسط دانشجو «نگس شاهوار»

تصویر ۷- طراحی جدید در ایوان مرمر با کاربری «کتابخانه تخصصی» توسط دانشجو «پریزاد رادپور»

لازم به ذکر است که در تمام مراحل دانشجویان با توجه به ناآشنا بودن با فضای طراحی مورد نظر پژوهش، نیاز به یک راهنما داشتند. ولی در نهایت نتایج قابل قبولی کسب شد و دانشجویان با نوع طراحی در یک بنای موجود و بارزش آشنا شدند. دانشجویان در هنگام طراحی با نوعی دقت نظر و با دیدی نقادانه در جهتی حرکت کردند که در نهایت هیچ‌یک از عوامل موثر در حفاظت و احیای بنای تاریخی، مورد غفلت واقع نشود. در طی این طراحی دانش تخصصی دانشجویان در ارتباط با موضوع به‌شیوه‌ای صحیح و واقع‌بینانه توسعه پیدا کرده و حاصل تمام این رویداد تقویت دیدگاه نقادانه دانشجویان بود. بر اساس این ارزیابی، دانشجویان مبتدی معماری در آغاز راه آشنایی چندانی با مقوله نقد ندارند، اما در صورت آموزش روشن و صحیح از طریق طراحی، نقد در ذهن آنها تعریف معقول‌تری خواهد یافت.

بحث

نقد در حوزه معماری یک گفتمان حرفه‌ای و یک فرآیند تخصصی معرفی می‌شود که نیازمند تشخیص، شناخت، تحلیل، ارزیابی، توصیف و تفسیر است. تمامی این مراحل فرآیند نقد معمارانه را تشکیل می‌دهند و تأکید این پژوهش بر این است که مراحل ذکر شده (شکل ۴)، در یک چرخه قرار گیرند. به این معنی که ترتیب و چارچوب خاصی وجود نداشته و هر یک از این مراحل بتواند پیش‌نیاز و تکمیل‌کننده مرحله‌ای دیگر باشند. چراکه گاهی ممکن است شخص منتقد پس از شناخت به تشخیص درست برسد و یا گاهی بعد از تحلیل و ارزیابی به شناختی جامع دست یابد. در این صورت هیچ مانعی برای پیشرفت کار منتقد وجود نخواهد داشت و او می‌تواند با خاطری آسوده، فرآیند نقد معمارانه را طی کند.



شکل ۴- فرآیند نقد معمارانه (نگارندگان، ۱۴۰۲)

زمانی که بیان نقد به صورت ترسیمی مدنظر است، مهارت‌های طراحی نیز اهمیت پیدا می‌کند. توانایی طراحی یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین توانمندی‌های شناختی است که هر فرد به میزانی از آن بهره دارد و به مرور پرورش می‌یابد^۱. در یک فرآیند طراحی، مجموعه‌ای از کنش‌ها، ابزارها و کاراکترها در قالب یک کل منسجم و یکپارچه به خدمت گرفته می‌شوند و برای رسیدن به یک هدف نهایی تلاش می‌کنند. طراح معمار در طی این فرآیند، فضای فیزیکی و فضای خیال را هم‌زمان تجربه می‌کند؛ چون قبل از آنکه یک اثر نمود بیرونی پیدا کند، درون فضای ذهنی طراح شکل می‌گیرد. از لحظه‌ای که طراح معمار فرآیند طراحی را شروع می‌کند، در فضای خیال خود به چیزی می‌اندیشد که صورت بیرونی نیافته است.

طراح معمار کلی‌ترین تا جزئی‌ترین اجزا را براساس یک چیدمان ذهنی کنار هم قرار می‌دهد. بارها و بارها خود را در فضای موردنظر تصور کرده، به ساختن و تقویت ایده‌های خود می‌پردازد و سپس شروع به طراحی می‌کند^۲. یک معمار در فرآیند طراحی، آگاهانه یا ناخودآگاه مدام تصور می‌کند که انعکاس هرکدام از تصویرسازی‌های دوبعدی یا سه‌بعدی بر روی کاغذ، در دنیای واقعی چگونه خواهد بود. با این کار در واقعیتی که هنوز عینیت نیافته حضور می‌یابد و فضای آن را تجربه می‌کند. این ارزیابی، بازنگری، تنظیم و توسعه طرح به صورت مدارم، نوعی نقد توسط طراح به‌شمار می‌آید که به‌طور ناخودآگاه صورت می‌گیرد. به این ترتیب نقد هم‌زمان با فرآیند طراحی رخ می‌دهد، طراحی معماری نوعی نقد محسوب می‌شود و طراح معمار اولین منتقد کار خود می‌شود. بر همین اساس آموزش طراحی نقادانه در دانشگاه باید از دروس پایه شروع شود و در طول دوره تحصیل توسعه یابد.

نتیجه‌گیری

نیاز امروز به نقد معمارانه به این دلیل است که مسئله کیفیت معماری تبدیل به چالشی اساسی شده و توجه به نقد به عنوان زیربنای اصلاح و بهبود فرایندها و روش‌های موجود در حل مسائل معماری است. از دیدگاه آسیب‌شناسانه می‌توان دلایل افول و انحطاط نقد معماری در ایران را در کثرت و وسعت عوامل دخیل در حیطه معماری و همچنین وابسته بودن نقد به دیدگاه فکری شخص منتقد جستجو کرد. برخی از این عوامل که باعث ایجاد آشفته‌گی در امر نقد شده و از دلایل فقر تفکر انتقادی و فقدان روحیه انتقادی در دانشجویان به‌شمار می‌آیند عبارتند از:

- جهانی شدن شتابان فرهنگ معماری

- مقاومت معماران حرفه‌ای در برابر اندیشیدن درباره معماری
- شکاف افتادن بین اهل نظر و اهل حرفه
- کمبود برنامه آموزشی درست و یکپارچه
- عدم نظارت بر شیوه آموزش معماری
- فقدان چارچوب یا گفتمان نظری که نقادی در درون آن رشد کند
- فاصله گرفتن نقد دانشگاهی از نقد حرفه‌ای
- کم‌اعتنایی به ایجاد پیوند میان نقد معماری، تاریخ معماری و اندیشه انتقادی

با توجه به آسیب‌هایی که بر مقوله نقد وارد است، زمان آن فرا رسیده تا برای سازماندهی این مقوله با ارزش و پرکاربرد تلاش‌هایی صورت گیرد. در همین راستا پیشنهاد می‌شود برای دستیابی به توسعه علمی و همچنین توسعه نهاد دانشگاه، به اهمیت فرهنگ نقد و نقادی پرداخته شود و نقد به‌عنوان شیوه اصلی آموزش در آتلیه‌های طراحی معماری امروز جریان یابد. چراکه مشارکت دانشجویان در فرآیند داور آثار معماری در آتلیه طراحی، بر اهمیت نقد به‌عنوان یک ابزار آموزشی می‌افزاید. از طرفی خبرگی در این مهارت‌ها موجب می‌شود معمار به دیدگاه وسیعی برای تجزیه و تحلیل یک اثر معماری، به صورت ترسیمی و براساس معیارهای نقد معماری، با هدف شناخت بیشتر موضوع و نحوه ارتباط آن با محیط اطراف، مجهز شود.

آموزش نقد معمارانه در دروس پایه و آشنایی دانشجویان مبتدی با نقد ترسیمی در فرآیند طراحی، موجب خواهد شد دانشجویان با نگاهی عمیق‌تر و علمی‌تر مطالب آموزشی و آثار معماری را شرح دهد، آنها را تحلیل کند و زوایای مختلفی را در نظر بگیرد. اساتید باید سعی کنند همواره به دانشجویان یادآور شوند معماری مجموعه‌ای از عوامل مختلفی است که هر یک به نحوی بر آن اثر داشته و جهت دستیابی به تحلیل و ارزیابی همه‌جانبه از اثر لازم است تا جای ممکن جامع‌نگری داشته باشند. به این ترتیب نقد ابزاری مهم در درک معماری و ارزش‌های آن به شمار می‌آید. شناخت روش‌های صحیح نقد و اصول آموزش آن در دانشکده‌های معماری به گونه‌ای که منتقد، بنا را با دیدی فراتر از ادراکات شخصی خود ببیند و همچنین تمهید راهکاری تربیتی برای رشد توانایی نقد دانشجویان مبتدی، از مباحث ضروری است که در پژوهش‌های آتی می‌تواند به آنها پرداخته شود.

فهرست منابع

- آیوازیان، سیمون (۱۳۸۱) «زیبایی‌شناسی و خاستگاه آن در نقد معماری»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۲، ۶۴-۶۹.
- اتو، وین (۱۳۸۴) معماری و اندیشه نقادانه، امینه نجم‌شجاع، فرهنگستان هنر، تهران.
- استیونس، سوزان (۱۳۷۷). «ارزیابی وضعیت نقد معماری در مطبوعات امروز»، مترجم د. سمرقند، مجله معمار، شماره ۲، ۸-۱۳.
- امینی، سارا، فلامکی، محمدمنصور و کرامتی، غزال (۱۳۹۸) «گونه‌شناسی خیال در فرایند طراحی معماری»، نشریه علمی باغ نظر، ۱۶ (۷۲)، ۵۳-۶۴.
- حائری، محمدرضا (۱۳۸۷) «گفت و گو (معماری): معماری وجدان جامعه است (جایگاه نقد معماری)»، مصاحبه کننده: سهیلا نیاکان، آینه خیال، شماره ۸، ۶۵-۶۷.
- خوئی، حمیدرضا (۱۳۸۳) «نسبت دانش معماری با نقد آثار آن»، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، ۸۴-۹۵.
- دهقانی، رضا (۱۳۹۰) «چیستی نقد تاریخی»، پژوهش، شماره ۳، ۱۴۵-۱۷۴.
- رزاقی اصل، سینا، و رحیمی‌آریایی، افروز (۱۳۹۵) «بررسی اهمیت و نحوه آموزش نقد بنا به دانشجویان رشته معماری از دیدگاه اساتید معماری ایران»، نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۸۳-۹۳.
- رئیزی، ایمان و دانشپور، عبدالهادی (۱۳۹۰) «تحلیل محتوای نقدهای معماری نشریات معماری ایران از ۱۳۲۵ تا ۱۳۸۰ خورشیدی»، مجله هویت شهر، شماره ۸، سال ۵، ۴۶-۳۹.
- رئیزی، ایمان (۱۳۹۲) نقد بازی، جستارهای نقد معماری، کتابکده کسری، مشهد.
- زوی، برونو (۱۳۷۶) چگونه به معماری بنگریم؟، فریده گرمان، کتاب امروز، تهران.

سامه، رضا، و ایزدی عباسعلی (۱۳۹۳) «سازوکار داوری و سنجش طراحی در آموزش معماری پیشنهاد مدلی برای ارزیابی فرآیند و ارزشیابی طرح در تعامل استاد و دانشجوی»، نشریه علمی - پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۱-۱۳.

قبادیان، وحید (۱۳۸۸) مبانی و مفاهیم معماری معاصر غرب، فرهنگ و معماری، تهران.

کارول، نوئل (۱۳۹۳) درباره نقد: گذری بر فلسفه نقد، صالح طباطبایی، نشر نی، تهران.

کوچکیان، مسعود و نوروزبرازجانی، ویدا (۱۳۹۳) «جایگاه نقد در معماری ایران نسبت به تیپوگرافی نقد در معماری غرب»، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره ۱۹، شماره ۲، ۷۶-۶۷.

شیخ‌زین‌الدین، حسین (۱۳۷۷) «نقد مهمانسرای حافظیه»، مجله معمار، شماره ۱، ۱۴-۲۰.

صدافقی، عباس و حجت، عیسی (۱۳۹۸) «محتوای آموزش معماری در ایران و میزان موفقیت دوره کارشناسی در انتقال این محتوا»، دوفصلنامه مطالعات معماری ایران، شماره ۱۵، ۹۱-۱۱۲.

طلیسیچی، غلامرضا، ایزدی، عباسعلی و عینی‌فر، علیرضا (۱۳۹۱) «پرورش توانایی طراحی طراحان مبتدی معماری؛ طراحی، کاربست و آزمون یک محیط یادگیری سازنده‌گرا»، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۴، ۱۷-۲۸.

معتمد، مهشید (۱۳۹۷) «جای خالی گفتمان انتقادی در معماری»، فصلنامه هنرمعماری، شماره ۴۷.

مهراد، شیما، دژدار، امید، و طلیسیچی، غلامرضا (۱۴۰۱) «کاربست روش لینکوگرافی به منظور تحلیل تعاملات استاد-دانشجوی مبتدی در کارگاه طراحی معماری پایه»، نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران، دوره ۱۳، شماره ۱، ۱۸-۵.

مهدی‌زاده سراج، فاطمه، و مردمی، کریم (۱۳۸۷) «معیارهای قضاوت پروژه های طراحی معماری»، مجموعه مقالات سومین همایش آموزش معماری تهران: دانشگاه تهران، ۴۹۱-۵۱۴.

مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۸۴) «آموزش نقد معماری، تقویت خلاقیت دانشجویان با روش تحلیل همه جانبه آثار معماری»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳، ۶۹-۷۶.

منصوری، امیر (۱۳۷۹) «روش نقد معماری ملاحظاتی در راه ترسیم روش نقد معماری به‌طور همه‌جانبه و با معیارهای روشن»، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره ۷۱، ۷۹-۷۱.

Attoe, Wayne (1978) *Architecture and Critical Imagination*, Chichester, New York.

Caudill, William Wayne (1971) *Architecture by Team: A New Concept for the Practice of Architecture*, Van Nost. Reinhold, New York.

Davis, Aaron T. and Preiser, Wolfgang F.E. (2012) «Architectural criticism in practice: From affective to effective experience», *Archnet international journal*, 6(2), 24-42.

Ducasse, Curt J. (1944) *Art, the Critics and Yo*, Oskar Piest, New York.

Edwards, Richard, and Usher, Robin (1994) *Postmodernism and Education*, Routledge, London.

Jannièrè, Hélène (2020) «Architecture Criticism: I identifying an Object of Study», Translated by Michael Jameson, *OASE Journal for Architecture*, 30 (81), 33-55.

Kestenbaum, J. (1994) Tadao Ando: Modernism and its Descontents, in Tadao Ando 1983-1992, *EI Croquis*, Madrid.

Nicol, David, and Pilling, Simon (2000) *Changing Architectural Education: Towards a New Professionalism*, E & F spon press, London.

Osman Ibrahim, Ahmed, Mohammed Sanad, Ehab Momin, Ramadan Abdelhai, Nada Mohamed, and Saad Alsadun, Ibtihaj (2022) «Architectural theory as a tool for architectural criticism necessarily employed for the betterment of architectural education», *International Journal of Advanced and Applied Sciences*, 9(1), 71-83

Preiser, Wolfgang F. E., Aaron T., Davis, Andrea, Hardy, and Ashraf M., Salama (2015) *Architecture*

Beyond Criticism, Routledge, New York.

Quinlan, Ann, Corkery, Linda, and Marshall, Nancy (2007) «Positioning the Design Tutor's presence in the Design Studio for successful student design learning», Connected International Conference on Design Education.

Raghad Mofeed, Mohamed (2020) «The Interrelation between Theory and Criticism in Architecture: Theoretical and analytical study», Edinburgh Architecture Research Journal (EAR), vol 28, 78–91.

Ramadan, Mustafa G. (2020) «Architectural Criticism as a Main Improvement strategy In Contemporary Architecture», International Journal of Applied Engineering Research, Volume 15, Number 1, 24–33.

Raman, Pattabi G. and Coyne, Richard David (2000) «The Production of Architectural Criticism», Architectural Theory Review, 16(2), 83–103.

Schön, D. A. (1987) Educating the reflective practitioner: Toward a new design for teaching and learning in the professions, Jossey-Bass, San Francisco.

Sharp, Dennis (1989) «Criticism in architecture», In Proceedings of the Regional Seminar in the Series Exploring Architecture in Islamic Cultures, by Robert Powell, Singapore: The Aga Khan Award for Architecture, Concept Media Ltd, 8–15.

Stolnitz, J. (1960) Aesthetics and philosophy of art criticism a critical introduction. Houghton Mifflin Company, Boston.

